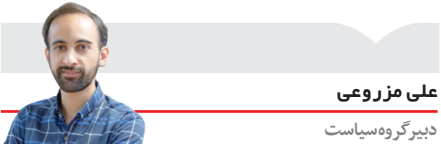


جسد برجام یا جسد پروژه اغتشاش؟



علی مزروعی

دبیر گروه سیاست

براندازان اجاره‌ای، اپوزیسیون خیالپرداز و لیبرهای بی‌سواد که تمام سرمایه‌گذاری‌شان در دعوت مردم به آشوب خیابانی و اعتصاب‌های سراسری در بازارهای سراسر کشور با شکست روبه‌رو شد، هیچ‌گاه فکرش را هم نمی‌کردند دولت‌های غربی که طی سه‌ماه اخیر ژست حمایت و دفاع همه‌جانبه از آنها و چیزی تحت عنوان حقوق بشر(!) گرفته بودند، به این سرعت پشت‌شان را خالی و صراحتاً تنها راه‌شان را بار دیگر در «مذاکره» با ایران معرفی کنند. این مساله باعث شد براندازان مغموم در بنگاه‌های تولید فیک‌نیوزشان چند روزی علاوه‌بر انتشار فیک‌نیوز، به تحلیل این اظهارنظرهای جسته‌وگریخته مقامات خارجی هم بپردازند. آنها در نخستین روزهای بعد از سخنان جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا درباره مذاکره با ایران، اظهارات او را باعنوان «خیز اروپا برای خیانتی تاریخی» منتشر کردند.

اما اصل ماجرا که باعث برانگیخته شدن خشم براندازان توییتری از مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا شد، این قسمت از سخنان بورل در روز ۲۱ آبان و در پایان نشست شورای وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی با این جملات بود: «توافق هسته‌ای با ایران در جهت منافع خودمان است. ما باید تحریم‌ها را از توافق هسته‌ای جدا کنیم و تا جای ممکن به تعامل بپردازیم. در شرایط کنونی برجام در وضعیت دشواری قرار دارد اما به‌نظرم «گزینه بهتری نداریم» که اطمینان حاصل کند ایران سلاح هسته‌ای تولید نخواهد کرد.»

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنین بلافاصله بعد از آنکه صراحتاً مذاکرات را تنها راه باقی‌مانده خواند، گزاره‌ای را مطرح کرد که نشان می‌داد این صرفاً جوزپ بورل نیست که همچنان پیگیر روند مذاکرات با تهران است، بلکه سایر دولت‌های اروپایی هم از طریق هماهنگ‌کننده اتحادیه اروپا تحولات مرتبط با گفت‌وگوها را دنبال می‌کنند. او گفت: «امروز وزرا را در جریان آخرین وضعیت توافق هسته‌ای قرار دادم.» البته مساله برانگیخته شدن خشم براندازان از مقامات اروپایی تنها سوزۀ داغ این روزها نبود و باید گفت ناامیدی به‌وجودآمده نسبت به نتیجه مبارزات توییتری براندازان از سوی دولت‌های اروپایی و آمریکا هم طرف دیگر این ماجرا بود. علاوه‌بر این، مولفه‌های اثرگذار بر موضع‌فعلی غربی‌ها هم از دیگر موارد قابل‌مطالعه این روزهاست و این مساله زمانی جالب‌تر می‌شود که موضع سرسختانه هریک از این دولت‌ها در زمان اوج‌گیری ناآرامی‌های خیابانی در ایران را به‌یاد بیاوریم. در ادامه این سوزۀ‌ها را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌ایم. نقطه آغاز سیر تحولات از هم روزهایی درنظر گرفته‌ایم که براندازان آرام‌آرام متوجه شدند عیارشان برای دولت‌های اروپایی و دولت دموکرات بایدن درحال مشخص شدن است.

ماجرای ناامیدی متقابل براندازان و دولت‌های غربی از یکدیگر

باید گفت علاوه‌بر اظهارات بورل که واکنش براندازان به آن را مورد بررسی قرار دادیم، رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران هم در اوج ناآرامی‌های خیابانی در ایران و زمانی که اپوزیسیون خیال‌پرداز ضدایرانی انتظار داشت کاخ سفید «ایران را آزاد کند(!)» یا حضور در اجلاس «گفت‌وگوی مدیترانه» در رم، علناً گفت: «باب دیپلماسی با ایران باز است.» او در نشست «موسسه مطالعات سیاسی و بین‌المللی ایتالیا» که در تاریخ ۱۲ آذر در رم برگزار می‌شد، ادعا کرد: «سیاست واقعی آمریکا در قبال ایران جایی بین «دیپلماسی» و «پلن بی» است. هیچ سیاست سیاه و سفیدی وجود ندارد.» البته پلن بی ای که معلوم شد جز تلاش برای حفظ ناآرامی‌ها و التهابات داخلی ایران، نمود بیرونی دیگری نداشته است و تقریباً دست‌خالی غربی‌ها در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران را نشان داد.

علاوه‌براین، اصلاح صحبت‌های ۱۲ آذر بایدن در جمع تعدادی از براندازان توییتری مقیم آمریکا با محتوای «ایران را آزاد خواهیم کرد!» از سوی جان کری، هماهنگ‌کننده روابط راهبردی در شورای امنیت ملی آمریکا بود که براندازان را بیش از پیش نسبت به نتیجه مبارزات مجازی و راه‌دورشان ناامید کرد. علاوه‌براین نشان داد دولت‌های غربی و به‌خصوص آمریکا هم در اتاق فکرهایشان چندان به تضعیف ایران از این رهگذر باور ندارند.

برای مواجهه با ایران چاره‌ای جز بازگشت به میز «مذاکره» ندارند

اقدامات متقابل ایران در پاسخ به دو قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در تاریخ‌های ۱۸ خرداد و ۲۶ آبان علیه کشورمان به تصویب رسید،

وضعیت فعلی ذخایر و سرعت توسعه صنعت هسته‌ای ایران را به مرحله‌ای رسانده که شورای امنیت سازمان ملل در پایان نشست اخیر خود تلویحاً از طرف‌های مذاکره‌کننده خواست هرچه سریع‌تر به میز مذاکره برگشته و به‌بهانه‌ای مانع از توسعه هرچه بیشتر فناوری هسته‌ای در ایران شوند. از اقدامات متقابل ایران در آن دو بازه می‌توان به افزایش سطح غنی‌سازی‌ها و دیگر اقدامات روبه‌جلو در دو تاسیسات نطنز و فیردو اشاره کرد. ایران بلافاصله بعد از قطعنامه دوم، آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصدی در نطنز، گاز دهی به دو رنجیره جدید از سانتریفیوژهای پیشرفته نوع ۴-IR و ۶m-IR و آغاز روند راه‌اندازی واحدی جدید با ظرفیت ۸ آبشار جدید در این تاسیسات هسته‌ای را به‌طور عمومی اعلام کرد. ایران علاوه‌بر نطنز، در تاسیسات فیردو هم از آغاز تولید محصول اورانیوم UF۶ با غنی ۶۰ درصد برای نخستین بار [در این تاسیسات هسته‌ای] و آغاز روند تعویض ماشین‌های سانتریفیوژ نسل اول با ماشین‌های پیشرفته ۶-IR خبر داد که در نهایت منجر به افزایش قابل توجه ظرفیت تولید در این تاسیسات هسته‌ای حساس می‌شود.

این رویکرد و همچنین دیگر اقدامات ایران در مواجهه با افزایش فشارهای سیاسی و روانی از سوی غربی‌ها بود که باعث شد نگرانی آنها به درجه‌ای برسد که در نشست روز گذشته شورای امنیت سازمان ملل متحد که موضوعش اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ در خصوص رفع تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران عنوان شد، شاهد اظهاراتی قابل توجه از سوی شرکت‌کنندگان در این نشست باشیم. از جمله این اظهارات قابل توجه می‌توان به سخنان رزماری دی کارلو، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی و صلح اشاره کرد که به‌عنوان اولین سخنران نشست با درخواست از ایران برای به عقب برگرداندن گام‌های برداشته شده در برنامه هسته‌ای صراحتاً خواستار «لغو تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا» علیه کشورمان شد.

بعد از او، سیلیویا گونزاتو، معاون نماینده اتحادیه اروپا در سازمان ملل بود که گفت: «روند دستیابی به توافق هسته‌ای با موانعی احاطه شده است، اما جایگزینی برای دیپلماسی وجود ندارد.» گونزاتو همچنین با مطرح کردن ادعاهایی درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و اظهارات پراکنده دیگری که در خصوص جنگ اوکراین داشت، گفت: «احیای برجام تنها راه برای ایران جهت نفع بردن از عواید برجام و رسیدن به پتانسیل اقتصادی کامل در نتیجه رفع فراگیر تحریم‌ها است که کل جامعه جهانی را به همکاری بیشتر با ایران ترغیب می‌کند.»

این سخنان مطرح شده در جلسه روز گذشته شورای امنیت سازمان ملل، جلسه جوزپ بورل و امیر عبداللهیان در امان، پایتخت اردن و همچنین اظهار نظرهای پراکنده دیگر مقامات غربی در خصوص راه‌های پیش‌رویشان برای مواجهه با ایران همه حکایت از آن دارد که آنها برای مواجهه با ایران چاره‌ای جز بازگشت به میز «مذاکره» ندارند.

بورل انرژی و رضایت براندازان را باهم می‌خواهد

جوزپ بورل در تویییتی که روز گذشته پس از دیدار و گفت‌وگو با حسین امیرعبداللهیان در صفحه خود منتشر کرده نوشته است: «توافق کردیم که باید ارتباطات را باز نگه داریم و برجام را براساس مذاکرات وین احیا کنیم.»

او این اظهارات را در ادامه با اتهام‌افکنی علیه ایران تکمیل کرده و توضیح می‌دهد که در این گفت‌وگو بر

ضرورت توقف فوری حمایت نظامی از روسیه و سرکوب داخلی در ایران تاکید کرده است. این اظهارنظر دقیقاً مشابه همان حرف‌هایی است که بورل هفته گذشته نیز گفته بود. مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا دوشنبه شب هفته گذشته ۲۱ آذر در پایان نشست شورای وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی گفته بود: «در شرایط کنونی برجام در وضعیت دشواری قرار دارد اما به‌نظرم گزینه بهتری نداریم که اطمینان حاصل کنیم ایران سلاح هسته‌ای تولید نخواهد کرد. تحریم‌های مرتبط با مسائل حقوق بشری و مشارکت ایران در جنگ اوکراین باید از مساله توافق هسته‌ای تفکیک شود.»

اعتراف به نداشتن گزینه‌ای بهتر از برجام و هم‌زمان طرح ادعاهای حقوق بشری نشان می‌دهد طرف

اروپایی قصد دارد گروه‌های اپوزیسیون که برای تکمیل پروژه تحریم علیه ملت ایران تلاش می‌کردند را نیز راضی نگه‌داشته تا بتوانند در فرصت‌های بعدی نیز از ظرفیت آنها برای به ایجاد التهاب در ایران استفاده کند. اما این نوع نگاه به اپوزیسیون به‌وضوح نشان می‌دهد که گروه‌های برانداز درنهایت بیش از یک ابزار فشار مقطعی برای غربی‌ها واجد ارزش نبوده و بسان دستمال نظافت بعد از استعمال کنار گذاشته می‌شوند.

صحبت‌های دوپهلوی با هدف ایجاد ابزار فشار

آمریکا در تمام ادوار مذاکرات سعی داشته از محدوده هسته‌ای فراتر رفته و پای مسائل منطقه‌ای و حقوق بشری را به مذاکرات باز کند تا بتواند ابزارهای قدرت ایران را به‌طور کامل سلب کند. در این مسیر پرونده‌های

ادعایی علیه برنامه هسته‌ای ایران ابزاری بوده است که طرف‌های غربی آن را به‌عنوان پلی برای ورود به مسائل دفاعی استفاده‌اند و ایران همواره در برابر این زیاده‌خواهی ایستادگی کرده است. به همین دلیل نیز ایران برای توافق بسته شدن پرونده‌های ادعایی آژانس که متأثر از گزارش‌های مغرضانه رژیم صهیونیستی مفتوح شده بودند را به‌عنوان پیش‌شرط رسیدن به توافق مطرح کرد. طرف غربی که بعد از خروج یکجانبه آمریکا از برجام دستاویزهای خود برای اعمال فشار علیه تهران را از دست‌رفته می‌بیند امید دارد که آشوب‌های اخیر و اتهام‌افکنی درمورد حمایت از روسیه در جنگ با اوکراین را بهانه قرار داده و بتواند ابزاری برای اعمال فشار بترشد. درمقابل این رویه ایران باید همچنان بر موضع خود مبنی بر بسته شدن پرونده‌های ادعایی پافشاری کند و به طرف غربی این پالس را برساند که اتفاقات اخیر به هیچ عنوان نباید در مسیر بر هم زدن تعادل موازنه به کار گرفته شود و اگر واقعاً عزمی برای مذاکره دارند بهتر است در نخستین گام آژانس را قانع کنند که گزارشی غیرمغرضانه و غیرسیاسی از نتیجه سفر اخیر نمایندگان خود به ایران ارائه دهد. سفری که با هدف بررسی ادعاهای رژیم صهیونیستی درمورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران انجام شد.

لغو تحریم نمایشی

طی سال‌های اخیر نهادهای اقتصادی ایران به چندین بهانه مختلف ازجمله هسته‌ای، نظامی و حقوق بشری تحت تحریم قرار گرفته‌اند تا درنتیجه همه روزه‌های معیشتی مردم ایران بسته شود. تحریم چندلایه‌ای یکی از تاکتیک‌های طرف غربی برای توجیه بدعهدی‌های احتمالی است. در این روش طرف غربی درنتیجه چندین دور مذاکره هسته‌ای نهایتاً متعهد به رفع تحریم‌های هسته‌ای می‌شود اما اعمال تحریم‌های جدید بر نهادهای رفع تحریم شده به بهانه‌های حقوق بشری و امنیتی باعث می‌شود که همچنان پیچ‌های قفل



اقتصاد ایران محکم مانده و عواید توافق صرفاً نصیب طرف غربی شود. بورل نیز با آموختن از شریک آمریکایی خود قصد به کارگیری همین حربه علیه ایران را دارد. به‌همین دلیل نیز بدون ارائه هیچ سندی ایران را متهم به نقض حقوق بشر و مشارکت در جنگ اوکراین کرده و از لزوم تفکیک تحریم‌های هسته‌ای از تحریم‌های حقوق بشری سخن به‌میان می‌آورد. در مواجهه با چنین روش فریبکارانه‌ای واضح است که اگر ایران صرفاً به گزاره رفع تحریم هسته‌ای اکتفا کند درنهایت چیزی جز قرار داد حقوقی غیر کاربردی نصیبش نشده و هر آن ممکن است روسای جمهور آمریکا ترامپ‌گونه بدون توجه به معاهدات بین‌المللی مسیر خروج از آن را در پیش گیرند.

تحریم‌های غیراعلامی روی دیگر نمایش

حتی در زمانی که آمریکا هنوز از برجام خارج نشده بود

آورده ایران از این توافق در عبارت تقریباً هیچی خلاصه می‌شد که سیف، رئیس وقت بانک مرکزی آن را به کار برد. این نتیجه نشان می‌دهد تحریم چندلایه‌ای تنها راه جلوگیری از انتفاع ایران در برجام نیست و آمریکا برای اعمال پروژه تحریم همه راه‌ها از جمله ترساندن فعالان اقتصادی از تجارت با ایران را نیز در دستور کار قرار می‌دهد. به‌طور مثال سال ۹۴ گروهی از تجار

ایتالیایی قرار بود به ایران سفر کنند اما پس از دیدار این هیات با سفیر آمریکا در این کشور سفر فعالان اقتصادی ایتالیا به تهران لغو شد و به جای آن هیات تجاری ایران عازم رم شد و ترکیب هیات ایتالیایی

تعیین شده برای دیدار با تجار ایران نیز به‌طور کلی تغییر یافت. اختلال در مسیرهای انتقال ارز به ایران با استفاده از تحت فشار قرار دادن کشورهای واسط

همچون امارات و عراق رویه دیگری بود که آمریکا با هدف جلوگیری از انتفاع اقتصادی ایران به کار گرفت. اتخاذ چنین رویه‌ای باعث شد کشورهای مختلف از جمله دولت‌های اروپا علی‌رغم مشکلات اقتصادی که به آن دچار بودند قید تجارت با ایران را زده و از اجرای تعهدات برجامی خود سر باز برند.

این بار آمریکا پلیس بد می‌شود

علاوه‌بر پروژه تحریم چندلایه‌ای آنچه باعث میشود تمایل اروپا به از سرگیری مذاکرات اقدامی غیرقابل انکاتر تلقی شود، مواضع متناقض ضلع دیگر مذاکره در واشنگتن است که مدام بر شیپور پایان برجام می‌دمد. رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، در واکنش به خبر اعلام آمادگی ایران و اتحادیه اروپا برای از سرگیری مذاکرات آخرین امید جمعی برای بازگشت سریع و متقابل به اجرای کامل برجام را از دست‌رفته توصیف کرد. پیش از رابرت مالی جو بایدن در حاشیه یک نشست تبلیغاتی در واکنش به اصرار یکی از براندازان که اصرار دارد بایدن مرگ برجام را اعلام کند پاسخ می‌دهد به دلایل زیادی چنین کاری نخواهد کرد.

اظهارات متناقض و غیرمنسجم طرف‌های غربی در مورد برجام در حداقلی‌ترین حالت نشان می‌دهد که حتی بین خود غربی‌ها نیز بر سر محتوای توافق اتفاق نظری وجود ندارد و طبعاً ایران نیز نمی‌تواند به مذاکراتی اعتماد کند که مسیر روشنی نداشته و هر یک از طرف‌ها بنا دارند تفسیر خود را از آن ارائه دهند.

آمریکا مذاکره می‌خواهد اما نه برای برجام

تن دادن به یک توافق موقت مهم‌ترین خواسته‌ای است که طرف آمریکایی با هدف تامین خواسته‌های

خود و امتیاز ندادن به ایران از ابتدای مذاکرات تاکنون در دستورکار قرار داده است. این هدف را علی واعظ در گفت‌وگو با هم‌میهن این‌گونه توضیح داده است: «اگر دو طرف به این نتیجه رسیده‌اند که احیای برجام ممکن نیست، باید به دنبال راه‌حل‌های دیپلماتیک بعدی باشند؛ راه‌حلی که به نظر می‌رسد از همه راه‌حل‌های دیگر منطقی‌تر است، توافق.» کمتر در مقابل کمتر، است که برای طرفین وقت بخرد تا شرایط مهیا شود و بتوانند به یک توافق براساس یک گفتمان متفاوت با محورهای جدید برسند. من فکر می‌کنم آمریکا از یک توافق موقت استقبال می‌کند برای اینکه اصولاً انگیزه اصلی آمریکا در برجام هم این بود که موضوع هسته‌ای ایران را از حاد بودن بکاهد تا بتواند بر موضوعاتی که برایش اهمیت بیشتری دارد یعنی رقابت با چین و روسیه تمرکز کند. این امر به این دلیل است که آمریکا از یک توافق موقتی که جلوی هسته‌ای‌تر شدن ایران را بگیرد و در عین حال تحریم‌های کمتری را لغو کند، استقبال می‌کند.» ایران اما از ابتدا درمقابل چنین رویکردی ایستاده و اعلام کرده است که تنها با هدف بازگشت به برجام مذاکره می‌کند. حال بعد از یک توقف چندماهه و پایان آشوب‌های خیابانی، طرف آمریکایی بار دیگر پیگیری این امر را در دستورکار قرار داده است. خبرگزاری رویترز اخیراً در گزارشی به نقل از چند دیپلمات غربی نوشته است: «احتمال بررسی گزینه نظامی علیه ایران در آینده نزدیک وجود ندارد. آنها همچنین بر این باورند که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران به‌سلاطی می‌تواند در ایران انگیزه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای ایجاد کند و ریسک تلافی از سوی ایران را به‌وجود بیاورد.» رویترز در بخش پایانی گزارش خود نوشت: «حتی اگر توافق هسته‌ای ۱۵ ۲۰ بتواند احیا شود، به گفته یک مقام ارشد دولت بایدن راه‌حل‌های دیپلماتیک دیگری ممکن است امکان‌پذیر باشد. آمریکایی‌ها پیش از این به عدم توانایی در اجرای پروژه براندازی در ایران اعتراف کرده بودند. اکنون صریح‌تر بیان می‌کنند که مسیر مذاکره صرفاً از آن جهت در دستورکار قرار گرفته است که آمریکا و متحدان آن، قدرت رویارویی نظامی با ایران را ندارند. مسیر مذاکره‌ای که البته مطابق گزارش رویترز قرار نیست از برجام عبور کند و احتمالاً قرار است مجدداً بعد از چند ماه پروژه «کمتر در مقابل کمتر» مورد پیگیری قرار گیرد. پروژه‌ای که ایران پیش از این با پافشاری بر موضع خود آن را به حاشیه رانده بود و حالا آمریکا امید دارد با اهرم فشارهای حقوق بشری و تحریم‌های جدید مجدداً آن را روی میز قرار دهد.»

چرا باید مدل مذاکراتی تغییر کند

رویکرد فریبکارانه آمریکا در لغو تحریم‌های ایران نشان می‌دهد که تهران برای انتفاع اقتصادی از هرگونه توافقی نیازمند است تا چیزی بیشتر از یک قرارداد حقوقی که تجربه نشان داده به‌راحتی زیرپا گذاشته می‌شود را مطالبه کند. ایده‌هایی همچون دریافت تضمین اقتصادی آن‌هم در شرایطی که آمریکا ایده‌ای به نام توافق موقت را در دستور کار قرار داده است از این جهت بسیار می‌تواند کارآمد باشد. ایران می‌تواند در برابر ایده توافق موقت طرف غربی، به جای اینکه صرفاً بر رفع تحریم تمرکز کند به طرف غربی گوشزد کند که ایران بدون توجه به مواضع مقامات و نمایندگان کنگره آمریکا، لیستی از منافع اقتصادی را مطالبه دارد و زمانی که این منافع تامین شود تهران نیز درمقابل لیستی از اقدامات متوازن را اجرایی می‌کند. در این شیوه که مجید شاکری، تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» آن را توافق محدود نام نهاده است، داده‌ها و ستانده‌ها در جدولی در برابر یکدیگر قرار گرفته و ایران می‌تواند به ازای عدم تحقق هریک از ستانده‌ها بخشی از اقدامات خود را متوقف کند. در این شیوه دیگر هزینه بدعهدی‌های متعدد صرفاً به ایران تحمیل نمی‌شود و ایران نیز می‌تواند متقابلاً از شدت اجرای توافق بکاهد. به طور مثال اگر ایران از طرفین غربی امتیازی همچون خرید مقدار معینی نفت و گاز را مطالبه کند درصورت عدم تحقق این امر ایران خواهد توانست در مقابل بر میزان غنی‌سازی خود بیافزاید. اگرچه ممکن است برخی این گزاره را مطرح کنند که در مذاکرات وین تا حدودی توافق به وجود آمده و ایران نباید تغییر جدی در مطالبات خود بدهد، اما در پاسخ به این استدلال باید گفت این تنها مطالبات ایران نیست که دستخوش تغییر می‌شود. از اسفند ۱۴۰۰ تاکنون خیلی چیزها تغییر کرده است. مکررون میز مذاکره با ایران را برای دیدار با مسیح علی‌نژاد ترک کرده، آلمان راهپیمایی تجزیه‌طلبان را میزبان بوده، انگلیس ترویست‌های رسانه‌ای را در زیر چتر حمایتی خود پناه داده و بایدن نیز رویای براندازی ایران را فریاد زده است. حالا که برخورد با دیوار واقعیت جامعه ایران رویکرد براندازی غرب را تغییر داده چرا نباید مدل مذاکره برای جبران خسارت تغییر کند.